

روند فتح جزیره سسیل توسط مسلمانان و تأثیر حضور آنان بر فرهنگ و تمدن اروپا

حسن فضل^۱

چکیده

در قلب دریای مدیترانه، جزیره‌ای است که با نام سسیل (صقلیه) شناخته می‌شود. این جزیره با آب و هوای معتدل مدیترانه‌ای و خاک حاصلخیز، سرزمینی زیبا و پربار است. از طرف دیگر سسیل در نقطه تلاقی دو قاره اروپا و آفریقا قرار دارد و نزدیک‌ترین مسیر ارتباطی میان این دو قاره پس از تنگه جبل الطارق به شمار می‌رود. همین موقعیت جغرافیایی، سسیل را در طول تاریخ آماج حملات و تهاجمات بسیاری قرار داده است. مسلمانان یکی از این گروه‌ها بودند که بارها این جزیره را مورد هجوم قرار دادند. نویسندگان به روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش است که روند تاریخ فتوح مسلمانان در جزیره سسیل چگونه بوده و چیرگی مسلمانان بر آنجا در طول سده‌ها، چه دستاوردهای فرهنگی و تمدنی برای مردم آن سامان داشته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد دودمان‌های حکومتگر مسلمان در جزیره، فرهنگ و تمدن اسلامی را شکوفا کردند و آن گسترش دادند. تأثیرات این شکوفایی به ویژه در قالب هنر و معماری حتی پس از فروپاشی حکومت‌های اسلامی و در

۱. دکتری تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، مدرس مدعو گروه معارف اسلامی مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران؛

دوران نورمان‌های مسیحی نیز ادامه یافت. برخی از نورمان‌ها نسبت به مسلمانان تسامح و مدارا داشتند و این امر باعث شد که تأثیرات فرهنگ و تمدن اسلامی در جزیره، همچنان محسوس باشد.

واژگان کلیدی: سیسیل، فرهنگ و تمدن اسلامی، هنر و معماری اسلامی، دودمان‌های حکومت‌گر مسلمان.



مقدمه

جزیره «سیسیل»^۱ مانند جزایر دیگر دریای مدیترانه از قبیل «میورقه»^۲، «مینورقه»^۳ و «یایسه»^۴ که مجمع‌الجزائر بالئار را تشکیل می‌دهند و نیز جزیره «کرت»^۵ برای سده‌ها در تسلط مسلمانان بوده‌اند، اما همچون اندلس (اسپانیای کنونی)، از دست مسلمانان خارج شده‌اند. پژوهشگر در این نوشتار به تاریخ فتوح اسلامی در جزیره اشاره کرده و تا حدودی تأثیر اسلام و مسلمانان را بر فرهنگ و تمدن آنجا نشان داده است.

جزیره سیسیل در قلب دریای مدیترانه، از دیرباز محل تلاقی تمدن‌های مختلف بوده است. یکی از مهم‌ترین این تمدن‌ها، تمدن اسلامی بود که از قرن هشتم تا قرن سیزدهم میلادی بر این جزیره حکومت می‌کرد. در ارتباط با پیشینه، تاریخ مسلمانان در سیسیل موضوع چندین کتاب و مقاله است. یکی از مهم‌ترین این آثار، کتاب نه‌ایه الأرب فی فنون الادب نوشته نویری است. این کتاب در ۳۳ جلد به چاپ رسیده و مطالبی ارزشمند درباره تاریخ سیسیل دربردارد. کتاب دیگری که در این زمینه قابل توجه است، تاریخ سیسیل در دوره اسلامی نوشته عزیز احمد است. این کتاب با ترجمه آقایان نقی لطفی و محمد جعفر یاحقی، توسط انتشارات علمی و فرهنگی به چاپ رسیده است. کتاب سومی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، المسلمون فی صقلیه، نوشته مارتینو ماریو مورینو است. این کتاب به زبان ایتالیایی نوشته شده و توسط انتشارات «دار البیروت» به زبان عربی ترجمه و منتشر شده است.

وجه تمایز مقاله پیش رو، بیان خلاصه تاریخ فتوحات مسلمانان در جزیره سیسیل و اشاره به هنر و معماری مسلمانان با استفاده از تصاویر موجود می‌باشد که در کتب فوق کمتر بدان پرداخته شده است.

1. Sicily/Sicilia
2. Mallorca /Majorca /Majorqiue
3. Menorca/Minorque
4. Ibiza.
5. Crete.

۱. جغرافیای سیسیل

سیسیل در امتداد شبه جزیره ایتالیا قرار دارد و بزرگ‌ترین جزیره دریای مدیترانه به شمار می‌رود (نقشه شماره ۱). جغرافی دانان مسلمان، این جزیره را به ملتی موسوم به «صقوقس» نسبت داده و آن را به شکل‌های صقلیه، سقلیه، سکیلیه، صیقیلیه، اصقلیه و اسقلیه ذکر کرده‌اند (عودی، ۱۳۸۵، ص ۴۸۷). سیسیل با تنگه مسینا (مسینی / مسینه)^۱ به فاصله هفت مایل از ایتالیا جدا شده است و در شمال شرقی جزیره قرار دارد. امتداد طولی جزیره، شرقی-غربی است. پس از ایتالیا کمترین فاصله سیسیل با خشکی، از ناحیه جنوب غربی و در حدود ۱۲۰ کیلومتر با کشور تونس است (احمد، ۱۳۶۲، ص ۱). مساحت این جزیره مثلی شکل، ۲۴۴۶۰ کیلومتر مربع است^۲ (گلی زواره‌ای، ۱۳۸۹، ص ۳۹-۴۶). تنگه مسینا و بخش جنوبی سیسیل، بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه مسیر کشتیرانی میان شرق و غرب و آبراه وصول به کشورهای اروپایی است (نقشه شماره ۲).



نقشه شماره ۱: موقعیت جزیره سیسیل در دریای مدیترانه (منبع: اینترنت)

1. Messina.

۲. عودی وسعت این جزیره را ۲۵۴۶۰ کیلومتر مربع می‌داند (ر. ک: عودی، ۱۳۸۵، ص ۴۸۵).



نقشه شماره ۲: جزیره سیسیل (منبع: اینترنت)

پیش از فتح مسلمانان، سیسیل از دو ایالت پالرمو (بلازمه/ بالرم) ^۱ و سیراکوز (سیراگوزا) ^۲ تشکیل می‌شد. مسلمانان آن را به سه منطقه مازر، ^۳ نوتس ^۴ و دمنش ^۵ تقسیم کردند. مهم‌ترین شهرهای سیسیل در زمان کنونی پالرمو، مسینا، مازر (مازارا/ مادزارا)، طبرمین، قصریانه و سیراگوزا هستند (عودی، ۱۳۸۵، ص ۴۸۷). اگرچه سیراگوزا بزرگ‌ترین شهر جزیره است (آیتی، ۱۳۶۳، ص ۲۲۲)، اما پالرمو مرکز آنجاست. ^۶ از سوی دیگر سیسیل به سه منطقه جغرافیایی تقسیم می‌شود: وال دی مادزارا، ^۷ ال دی نوتو ^۸ (اقلیم نوتس) و وال دمونه ^۹ (اقلیم دمنش). این تقسیم‌بندی برای شناسایی دوران تسلط مسلمانان بر این جزیره اهمیت فراوان دارد (احمد، ۱۳۶۲، ص ۱). شمال جزیره مناطق آتشفشانی وجود دارد و بدین سبب، از سرسبزی کمتری برخوردار است (عباس، ۱۹۹۴، ص ۱۳). ^{۱۰}

1. Palermo.
2. Syracuse.
3. Mazara.
4. Noto.
5. Demone.
6. Siraqusa ra nbaıd ba saraqusa dr aspanıa asıtabah grft.
7. val di mazara Val di mazara
8. Val di noto.
9. Valdemone.

۱۰. ابن جبیر آن را جبل النار یا کوه آتش ذکر کرده است (ابن جبیر، ۱۳۷۰، ص ۳۹۸).

جغرافی نویسان مسلمان از این جزیره زیبا و پرجاذبه به نیکی یاد کرده اند. احسن التقاسیم از وسعت و زیبایی بی نظیر آن سخن می گوید (مقدسی، ۱۳۶۱، ص ۲۳۲). ابن حوقل که این جزیره را از نزدیک دیده است از کثرت مساجد آن که در هیچ جای دیگر ندیده است؛ شگفت زده می شود (زارع، ۱۳۹۲، ص ۴۳). ادریسی از دو رودخانه، یکصد قلعه و چشمه های فراوان آن و نیز قرار گرفتن آن در اقلیم چهارم یاد می کند. او محیط سیسیل را هفده روز و طول آن را پنج روز می داند (عباس، ۱۹۹۴، ص ۱۱۳). ابن جبیر بخشی از سفرنامه خود را به سیسیل اختصاص داده است و از شهرها و آداب مردم آن سخن می گوید (ابن جبیر، ۱۳۷۰، ص ۳۹۳-۴۱۸). یاقوت حموی سیسیل را آباد و دارای بیست و سه شهر (یا هجده شهر) و سیزده قلعه می داند. او از کوهستان های این جزیره، قصریانه و شهر میان آن نیز یاد می کند (حموی، بی تا، ج ۳، ۴۱۹-۴۱۶). این جزیره زمانی تحت سلطه فنیقی ها و سپس یونانیان بوده است تا در سال ۲۴۱ م که رومیان آن را تسخیر کردند. پیش از حمله های مسلمانان، سیسیل از ایالت های امپراتوری بیزانس (روم) به شمار می آمد (احمد، ۱۳۶۲، ص ۲).

۲. سیسیل، آماج حملات مسلمانان (۳۲/۳۱ - ۱۳۵ق)

مسلمانان از سال ۳۱ ق، حملات خویش را به سیسیل آغاز کردند (همان) (نقشه شماره ۳). حمله های نخستین برای مسلمانان، تنها غنیمت به دنبال داشته و فتح جزیره میسر نشده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نقشه شماره ۳: حمله‌ها و فعالیت‌های دریایی مسلمانان در دوره‌های تاریخی (منبع: مونس، ۱۳۸۲، نقشه ۱۳۶، ص ۳۴۸)

۲-۱. دوره خلفای نخستین

نخستین حمله مسلمانان در سال ۳۱-۳۲ ق برابر با ۶۵۲م به دستور معاویه بن ابی سفیان و به فرماندهی معاویه بن خدیج کندی انجام شد. در این زمان، المپیوس^۱ از سوی امپراتوری

1. Olympius.

بیزانس، فرمانروای ایالت راونا^۱ بود. معاویه بن حدیج، پس از حمله، با مقداری غنائم و تعدادی اسیر به شام بازگشت (احمد، ۱۳۶۲، ص ۲). حمله معاویه بن ابی سفیان به خاطر کسب اعتبار در برابر عبدالله بن سعد، حاکم مصر بود (ارسلان، ۱۳۷۰، ص ۱۹۵).

۲-۲. دوره امویان

در سال ۴۶ ق برابر با ۶۶۷ م، ناوگانی به فرماندهی عبدالله بن قیس بن مغلد درقی^۲ به سیسیل اعزام شد (عودی، ۱۳۸۵، ص ۷۰). عبدالله در این حمله، به غنیمت‌های فراوانی از جمله مجسمه‌های طلایی و نقره‌ای دست یافت که آنها را برای معاویه فرستاد (احمد، ۱۳۶۲، ص ۲-۳). حمله دیگری توسط مسلمانان در سال ۴۸ ق/۶۶۸ م به سیسیل گزارش شده که ناوگانی با دویست کشتی از شهر اسکندریه بوده است (حتی، ۱۳۴۴، ص ۲۱۴).

بیزانس در سال ۶۲ ق/۶۸۱-۶۸۲ م از سیسیل به عنوان پایگاهی برای حمله به مسلمانان برقه (سیریناییک) در شمال آفریقا استفاده کرد (احمد، ۱۳۶۲، ص ۳). در ذکر وقایع سال ۷۴ ق نقل شده است: «عبدالملک مروان سپاهی به فرماندهی حسان بن نعمان غسانی به افریقیه فرستاد و گروهی از ایشان به سیسیل گسیل شدند» (ابن اثیر، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۳۱). با انتصاب موسی بن نصیر به فرماندهی شمال آفریقا، حمله‌های مسلمانان به سیسیل فزونی گرفت. در سال ۸۵ ق/۷۰۴ م، موسی ناوگان کوچکی به فرماندهی پسرش، عبدالله برای حمله به جزیره‌های دریای مدیترانه یعنی جزایر بالئار (بالئارس/ بالئاری)^۳ یا جزایر شرقی اندلس، سیسیل و ساردنی (ساردینا/ ساردینه/ سردینیه)^۴ اعزام کرد. در این زمان از حمله به شهر سیراگوزا نیز نقل شده است (مونس، ۱۳۷۳، ص ۶۹). به سبب حضور بزرگان مسلمان، این جنگ «غزوه الاشراف» نام گرفته است (آل علی، ۱۳۷۰، ص ۳۹). در ذکر وقایع سال ۹۲ ق، از حمله‌ای دیگر به سیسیل صحبت شده که نافرجام بوده است و شماری از مسلمانان در دریای مدیترانه غرق شده‌اند (ابن اثیر، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۱۲۱).

1. Ravena.

۲. عبیدالله هم ذکر شده است (ارسلان، ۱۳۷۰، ص ۱۹۵).

3. Balearic Islands.

4. Sardinia.

بشربن صفوان کلبی، حاکم افریقیه و اندلس در سال ۱۰۹ق/۷۲۷م به سیسیل یورش برد (احمد، ۱۳۶۲، ص ۴)، او عده زیادی را به اسارت درآورد و با بیزناس پیمان صلح بست؛ اما به این پیمان وفا نشد. در سال ۱۱۰ق عبیده بن عبدالرحمان جانشین بشر، سپاهی به فرماندهی عثمان بن ابی عبیده و در سال ۱۱۰-۱۱۱ق/۷۲۹م، عبیده بن عبدالرحمان سلمی که از سوی هشام بن عبدالملک به امارت منصوب شده بود، لشکری به فرماندهی مستنیر بن حارث حریشی برای جنگ به سیسیل اعزام نمودند؛ اما سودی حاصل نشد (همان).^۱ در سال ۱۱۱-۱۱۲ق/۷۳۰م نیز حمله ای به سیسیل گزارش شده است (همان). در سال ۱۱۳-۱۱۴ق/۷۳۲م، به فرماندهی عبدالملک بن قطان و در سال ۱۱۵ق/۷۳۳م از جانب حاکم افریقیه به نام عبیده بن عبدالرحمان، ناوگانی به فرماندهی ابوبکر بن سوید به سیسیل اعزام شد. گروه اخیر تعداد زیادی از کشتی های خود را بر اثر حریق ها از دست داد (همان، ص ۸۵).

در سال ۱۱۶ق/۷۳۴م هشام بن عبدالملک، عبیدالله بن حبیب موصلی^۲ را به امارت افریقیه منصوب کرد. ابن حبیب، لشکری به سیسیل اعزام کرد که در جنگ با لشکر بیزناس پیروز شدند (ابن اثیر، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۲۱۹). ابن حبیب دیگر بار در سال ۱۲۲ق/۷۴۰م سپاهی به فرماندهی حبیب بن ابی عبیده بن عقبه بن نافع و پسرش، عبدالرحمان، به سیسیل فرستاد. حبیب توانست بخش هایی از جزیره را تصرف کند. او سیراگوزا را فتح کرد و مردم را به پرداخت جزیه ناگزیر ساخت، اما به خاطر طغیان بخشی از لشکریان و اشغال طنجه،^۳ به شمال آفریقا بازگشت (همان، ص ۲۲۲). در فاصله سال های ۸۴-۱۳۵ق، حدود بیست حمله از سوی مسلمانان به سیسیل انجام شده است (عودی، ۱۳۸۵، ص ۴۹۱-۴۸۹).

۲-۳. دوره عباسیان

با برآمدن عباسیان، عبدالرحمان بن حبیب بن ابی عبیده فهری (د ۱۳۷ق)، برادر خود، عبدالله را در سال ۱۳۵-۱۳۶ق/۷۵۳م مأمور لشکرکشی به سیسیل کرد. این سپاه، با گرفتن غنائم، به شمال آفریقا بازگشت (ابن اثیر، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۳۲۵). چندی بعد امپراتور بیزناس، ناوگان

۱. الکامل این رخداد را در سال ۱۱۳ق ذکر می کند (ابن اثیر، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۲۱۴).

۲. تاریخ دولت اغلیبان، ابن حبیب سلولی ذکر کرده و وی را از نوادگان عقبه بن نافع می داند (عودی، ۱۳۸۵، ص ۸۴).

3. Tangier.

دریایی را برای حفاظت از جزایر سیسیل و ساردنی اعزام کرد (احمد، ۱۳۶۲، ص ۶۰۵). در این حال، گروهی از سپاهیان رومی نیز مسئول مراقبت و گشت زنی پیرامون جزیره بودند و گاه بازرگانان مسلمان را غارت می کردند (ابن اثیر، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۳۲۵). از سوی دیگر، مسلمانان در مرزهای آبی، دست به تأسیس استحکاماتی زدند؛ از جمله در سال ۱۸۰ ق/ ۷۹۶ م، هرثمه بن أعین، والی افریقیه، در طرابلس به این کار اقدام نمود. همچنین در منستیر^۱، در تونس فعلی، رباط (پادگان نظامی) ایجاد کرد (احمد، ۱۳۶۲، ص ۶).

۳. اغلبیان در سیسیل (۳۳۵-۱۹۷ ق)

پیش از حاکمیت مطلق اغالبه، هارون الرشید، خلیفه عباسی (۱۹۳ ق)، ابراهیم بن اغلب (۲۷۹ ق) را در برابر پرداخت چهل هزار دینار خراج سالیانه، والی تقریباً مستقل در افریقیه کرد (همان). ابراهیم برای تقویت دولت خود، پیمان صلحی به مدت ده سال با قسطنطین پاتریارک گریگوری (بطریق) بیزانس در سیسیل منعقد کرد و میان افریقیه و سیسیل بازرگانی رونق گرفت (عودی، ۱۳۸۵، ص ۴۹۱).

ابوالعباس عبدالله اول (۲۰۱ ق)، پسر ابراهیم بن اغلب در سال ۱۹۶-۱۹۷ ق/ ۸۱۲ م نیروی دریایی نیرومندی تأسیس کرد. چندی بعد، میخائیل اول (میشل)، امپراتور بیزانس، ضمن تقویت حضور دریایی، سپاهی را به فرماندهی پاتریارک، راهی نبرد با اغالبه کرد. شارلمانی نیز لشکری به سیسیل اعزام نمود تا از تهاجم مسلمانان جلوگیری کند. در نهایت، در سال ۱۹۷ ق/ ۸۱۲ م میان آنها نبردی در گرفت و بار دیگر بین عبدالله بن ابراهیم اغلبی و پاتریارک، پیمان صلحی در سال ۱۹۸ ق/ ۸۱۳ م به مدت ده سال منعقد گردید. این معاهده در سال ۲۰۴ ق/ ۸۱۹-۸۲۰ م با لشکرکشی مسلمانان به سیسیل به فرماندهی محمد بن عبدالله بن اغلب نقض شد و مسلمانان پس از اسارت عده‌ای از دشمنان، عقب نشینی کردند (احمد، ۱۳۶۲، ص ۷).

۳-۱. جنگ‌ها و رخداد‌های تاریخی

همزمان با کشمکش‌ها در افریقیه میان عرب‌ها، بربرها و خراسانی‌ها، که گروه اخیر به همراه سپاهیان عباسی به آنجا آمده بودند و تا سال ۲۱۲ ق ادامه داشت، در سیسیل،

1. Monastir.

«فیمی» (فیمیوس/ اوفیمیوس)، فرمانده ناوگان دریایی بیزانس، زمانی که فهمید دستور قتلش توسط امپراتوری بیزانس صادر شده است، علیه میشل دوم، حاکم سیسیل قیام کرد و او را به قتل رساند، اما در نبرد با یکی از کارگزاران بیزانس شکست خورد و به امیر افریقیه پناه برد (لوبون، ۱۳۵۸، ص ۳۶۹). فیمی، زیاده‌الله را به گشودن سیسیل تشویق کرد. زیاده‌الله این پیشنهاد را در مجلس مشورتی قیروان^۱ که «جماعه» (جماعت) نام داشت، مطرح کرد. اسدبن فرات،^۲ قاضی القضاة، اسیران مسلمان در سیسیل را بهانه قرار داد و حمله به جزیره، به تصویب رسید. زیاده‌الله، اسدبن فرات را با حفظ سمت قاضی القضاة، امیر لشکر حمله به سیسیل کرد. سپاه در ربیع‌الاول سال ۲۱۲ق/ ۸۲۷م از سوسه^۳ افریقیه به طرف سیسیل حرکت کرد و در بندر مازر (مازرا) پیاده شد (عودی، ۱۳۸۵، ص ۳۲۲). در ۱۸ ربیع‌الاول همان سال، نبردی میان اغلبیان و لشکر روم درگرفت که رومیان شکست خوردند و پاتریارک کشته شد و زیاده‌الله خبر فتح سیسیل را به مأمون عباسی رساند (همان، ص ۴۹۴-۴۹۶). ابن فرات سپس سیراگوزا را به مدت دو ماه محاصره کرد و مسلمانان قلعه‌های جرجنت و قصریانه را محاصره نمودند. در این جریان‌ها، از تصاحب بیش از بیست شهر سیسیل توسط مسلمانان یاد شده است (ارسلان، ۱۳۷۰، ص ۱۹۵). در این بحبوحه، فیمی نیز کشته شد (عودی، ۱۳۸۵، ص ۴۹۸-۴۹۹).

در سال ۲۱۴ق، محمدبن ابی‌جواری، جانشین اسدبن فرات درگذشت و زهیربن غوث جانشین او شد (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۱۸۷). در همین سال، نیروهای کمکی از افریقیه، و مجاهدان مسلمان از اندلس، به سرپرستی اصبغ‌بن وکیل هواری، معروف به «فرغلو»^۴، به یاری اغلبیان در سیسیل شتافتند. آنها به سرکردگی عثمان بن قره‌ب، شهر پالمورا محاصره کردند که در سال ۲۱۶ق با صلح فتح شد (عودی، ۱۳۸۵، ص ۴۹۹).

۳-۲. دلایل و نتایج فتوح اغالبه

اغالبه، سلسله‌ای از خلفای اسلامی در تونس بودند که در قرن سوم هجری به سیسیل حمله کردند. انگیزه‌های این حمله، هنوز هم محل بحث است، اما برخی از مورخان معتقدند که آنها

1. Kairouan.

۲. تاریخ عرب و اسلام، اسعد ذکر کرده است (امیرعلی، ۱۳۶۶، ص ۵۵۳).

3. Sousse.

قصد داشتند با این حمله، گروه‌های افراطی و شورشگر در افریقیه را به جهاد با کافران معطوف سازند. در آن زمان، امیران اغالبه در افریقیه، با مخالفت فقیهان مالکی قیروان مواجه بودند. این فقیهان معتقد بودند که اغالبه از احکام دینی پیروی نمی‌کنند و از این رو، آنها را به جهاد با کافران فرامی‌خوانند (بوسورث، ۱۳۷۱، ص ۵۲). برخی دیگر از مورخان معتقدند که فتح سیسیل، نوعی راهزنی دریایی و به قصد غارت، توسعه طلبی و به دست آوردن منافع اقتصادی بوده است؛ اما شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد انگیزه اصلی اغالبه از این حمله، جهاد در راه خدا بوده است. یکی از دلایل این امر این است که فرمانده سپاهیان اغالبه در فتح سیسیل، قاضی و فقیهی به نام ابن فرات بود. ابن فرات در نامه‌ای به خلیفه زیاده‌الله، فتح سیسیل را جهاد در راه خدا توصیف کرد و نوشت: «خداوند اراده کرده است که این جزیره را به دست ما دهد تا آن را به دین اسلام پیوند زنیم و مردم آن را از ظلم و ستم نجات دهیم». دلیل دیگر این است که اغالبه پس از فتح سیسیل، اقدامات زیادی برای اسلامی سازی این جزیره انجام دادند. آنها در سیسیل، مردم را به اسلام دعوت کردند و مساجد و مدارس دینی ساختند. بنابراین می‌توان گفت که فتح سیسیل، نه تنها یک پیروزی نظامی، بلکه یک پیروزی فرهنگی و دینی برای مسلمانان بود. یکی از نویسندگان، دلایل حمله و فتح سیسیل در سال ۲۲۱ ق/ ۸۲۷ م را چنین ذکر می‌کند:

(الف) پیشرفت صنایع کشتی سازی اغالبه در دار الصنایع تونس و سوسه؛

(ب) ناکامی عباسیان از تصرف اروپا از سمت مشرق؛

(ج) موقعیت حساس سیسیل از نظر نظامی و بازرگانی و نزدیک بودن به افریقیه؛

(د) پایگاه بودن سیسیل برای رومیان جهت حمله به افریقیه؛

(ه) اهمیت اقتصادی و بازرگانی سیسیل؛

(و) شورش «توماس صقلایی» علیه امپراتوری بیزانس؛

(ز) فتح کرت در سال ۲۱۲ ق به دست مهاجران اندلسی رانده شده از مصر؛

(ح) قیام فیمی علیه امپراتوری بیزانس و پناه بردن به اغالبه (عودی، ۱۳۸۵، ص ۴۹۲-۴۹۳).

حمله به جزیره سیسیل باعث آرامش داخلی و کاهش شورش سپاهیان و برخورداری از غنیمت‌های بی‌شمار بود. کثرت غنائم به اندازه‌ای بود که نه تنها فزونی بیت المال را به دنبال

داشت و باعث حل مشکلات مردم افریقیه شد (همان، ص ۱۳۱ و ۱۳۶)؛ بلکه موجب حذف نظام مالیاتی آنجا به دستور زیاده‌الله در سال ۲۱۲ ق گردید (همان، ص ۱۸۹). گاه از این غنائیم، به دربار بغداد نیز فرستاده می‌شد (همان، ص ۱۶۸). ایجاد پایگاه برای ناوگان دریایی اغالبه، دستاورد دیگر این فتح بود. آنان پس از فتح سیسیل، جزیره را پایگاهی برای حمله‌های خود به بنادر و سواحل ایتالیا، فرانسه و جزیره کرت قرار دادند (همان، ص ۲۰۳).

با مرگ زیاده‌الله اول، فتوح متوقف گردید، اما دیگر بار در سال ۲۲۵ ق از سر گرفته شد و بخش غربی جزیره به تصرف اغلبیان درآمد. در سال ۲۲۸ ق/ ۸۴۲ م، شهر مسینی (مسینا)، به کمک کشتی‌های ناپل و به وسیله اغالبه فتح شد و راه برای حمله به جنوب ایتالیا هموار گردید. غازیان مسلمان به دفعات به رم حمله کردند و کلیساهای آنجا را غارت نمودند. اغالبه به فرماندهی عباس بن فضل فزاری، امیر سیسیل، در سال ۲۴۴ ق، قصریانه را پس از ده سال تلاش، فتح کردند. خفاجه بن سفیان در سال ۲۴۸ ق هجری جانشین عباس شد. حمله‌های مسلمانان به سیراگوزا به دلیل استحکامات آنجا ناکام ماند، اما حملات توسط محمد بن خفاجه ادامه یافت (ابن اثیر، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۳۰۶). اغلبیان به فرماندهی جعفر بن محمد بن خفاجه، در ۱۴ رمضان سال ۲۶۴ ق/ ۸۷۸ م سیراگوزا را پس از نه ماه محاصره گشودند و تقریباً تمام جزیره سیسیل به جز «طبرمین»، جزو قلمرو دولت اغلبی قرار گرفت (عودی، ۱۳۸۵، ص ۵۰۰-۵۰۱). امیر افریقیه، ابراهیم دوم اغلبی، در ۲۲ شعبان سال ۲۸۹ ق/ ۹۰۲ م توانست طبرمین را تصرف کند و از آن پس سیسیل به طور کامل از پیکره امپراتوری بیزانس جدا شد (همان، ص ۵۰۱-۵۰۳). فتح کامل سیسیل، از سال ۲۱۲ تا ۲۸۹ ق یعنی ۷۷ سال به طول انجامید.

نهمین امیر اغلبی، ابراهیم دوم، ۲۸ سال حکومت کرد. او در اواخر عمر، حکومت را به فرزندش واگذار کرد و به بهانه جهاد رهسپار سیسیل شد و در سال ۲۸۹ ق در جنوب ایتالیا درگذشت (همان، ص ۲۱ و ۱۶۱-۱۶۹). آخرین امیر اغلبی، زیاده‌الله بن عبدالله، ملقب به ابومضمر، پس از قتل پدر در سال ۲۸۹ ق والی افریقیه شد. عصر امارت او به خوشگذرانی گذشت (مرادی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰). زیاده‌الله پیش از رسیدن به قدرت، مدتی فرمانروای سیسیل بود (عودی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵). بدین ترتیب، حدود بیست امیر اغلبی در افریقیه و سیسیل به امارت نشستند (همان، ص ۵۰۶-۵۰۷).

۳-۳. فرهنگ و تمدن در دوره اغالبه

اغلبیان با فرهنگ و تمدن غنی خود، تأثیر عمیقی بر جزیره سیسیل گذاشتند. پس از فتح سیسیل، اغلبیان آنجا را به سه استان تقسیم کردند. هر استان دارای یک استاندار بود که بر چند بخش تقسیم می شد. هر بخش نیز دارای یک فرماندار و یک بخشدار بود. در پایتخت سیسیل، پالرمو، یک مفتی تعیین شد که مسئول رسیدگی به امور مذهبی بود. همچنین در مناطق مختلف سیسیل، قاضیانی منصوب شدند که به حل و فصل اختلافات می پرداختند. در هر شهر، یک امین مالیه، مسئول جمع آوری مالیات و اداره امور مالی بود (لوبون، ۱۳۵۸، ص ۳۷۸). همچنین در این دوره، دیوان های مختلفی تشکیل شد که به امور مختلف رسیدگی می کردند. از جمله این دیوان ها، دیوان خراج بود که مسئول جمع آوری مالیات از زمین ها بود. دیوان خاتم نیز مسئول صدور احکام و اسناد رسمی بود. اغلبیان همچنین نظام های حسبه و عسس را در سیسیل ایجاد کردند (جودکی، ۱۳۷۹، ص ۹۶). حسبه مسئول رسیدگی به امور اجتماعی و عمرانی شهر و عسس مسئول حفظ امنیت شهر بود (همان).

کشاورزی در این زمان اصلاح شد. زراعت پنبه و نیشکر و غرس درختان زبان گنجشک و زیتون، معمول شد و نهرها و قنوات احداث گردید. معادن طبیعی مانند نقره، آهن، مس، گوگرد و سنگ مرمر به شیوه نوین استخراج شد و صنعت پارچه بافی گسترش یافت (لوبون، ۱۳۵۸، ص ۳۸۰).

تعلیم و تربیت، همچون سایر مناطق اسلامی در سیسیل رواج داشت. وجود سیصد مکتب خانه (کُتاب) در شهر پالرمو، مؤید این مسئله است (عودی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۳). امیران اغلبی به ویژه سه امیر واپسین، که زبان لاتین را به خوبی می دانستند، به ترجمه کتاب های پزشکی یونانی و لاتینی علاقمند بودند. از این رو مترجمان مراکز علمی افریقیه را به ترجمه این کتاب ها تشویق نمودند. بسیاری از این کتاب ها و دیگر آثار علمی، از طریق سیسیل و به ویژه پالرمو، به ایتالیا و از آنجا به اروپا منتقل شد (همان، ص ۳۰۱).

صنعت کاغذسازی که از چین به بغداد رفته بود و سپس در قیروان و دیگر شهرهای شمال آفریقا رواج یافت، توسط اغلبیان به پالرمو و از آنجا به ایتالیا و سپس آلمان رفت.

اغلبیان کاغذی ویژه به نام «بردی» داشتند که در سسیل تهیه می‌شد (همان، ص ۲۶۲). حاکمان مسلمان، در انجام رسوم و مراسم مذهبی و نیز پوشش و زیور، به مسیحیان سسیل آزادی کامل داده بودند (لویون، ۱۳۵۸، ص ۳۷۹). ساخت و بازپیرایی بناهای مذهبی و غیرمذهبی، از جمله فعالیت‌های اغالبه بود. بازسازی مسجد زیبای عقبه بن نافع قیروان در تونس، با گنبد ارزشمند و باشکوه و تک مناره مربع شکل آن، که بعدها الگویی برای ابنیه مذهبی و غیرمذهبی در سسیل شد، از این شمار است^۱ (جودکی، ۱۳۷۹، ص ۹۱). پس از فتح سسیل، نام و لقب امیران اغلبی بر روی سکه‌ها حک شد. گفته می‌شود که دینار و درهم آنها، با عیار عباسی برابری می‌کرد (همان، ص ۹۶). در سال ۲۱۴ ق، محمد بن ابی الجواری، درهم‌های نقره‌ای و مسی ضرب نمود که نمونه‌ای از آن در موزه «لوور» پاریس دیده می‌شود. بر یک روی سکه، نام زیاده‌الله و روی دیگر، نام ابن ابی الجواری نقش بسته است (عودی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۲-۱۹۳).

۴. فاطمیان در سسیل (۳۳۵-۲۹۷ ق)

حکومت بنی اغلب، با برآمدن فاطمیان در سال ۲۹۶ ق/ ۹۰۹ م به پایان رسید. پس از اقدامات ابو عبد الله، از داعیان فاطمی، و اتحاد بربرهای کتامة، عبیدالله مهدی حکومت را به دست گرفت. بسیاری از اهل سنت که از درباریان اغالبه به شمار می‌رفتند، به سسیل پناه بردند، اما علی بن احمد بن ابی الفوارس، والی معزول جزیره سسیل، به طرفداری از فاطمیان پرداخت. وی بنی اغلب را شکست داد و احمد بن ابی حسین، حاکم جزیره را دستگیر کرد. در این زمان، علی بن احمد از طرف عبیدالله مهدی به عنوان والی تأیید شد، اما به زودی معزول گردید. در سال ۲۹۷ ق/ ۹۱۰ م یکی از نایبان فاطمی به نام حسن بن احمد معروف به ابن ابی خنزیر، که مورد اعتماد بیشتر بود، رسماً حکومت فاطمی در سسیل را به دست گرفت (احمد، ۱۳۶۲، ص ۴۱). هرچند دولت شیعی بر سسیل مسلط بود، اما مردم به سبب داشتن مذهب مالکی، به دشمنی با آنها پرداختند (ناصری طاهری، ۱۳۷۵، ص ۱۲۳).

۱. ر. ک: مقاله‌ای از نویسنده با عنوان «درآمدی بر هنر و معماری مسجد قیروان با تأکید بر خاستگاه معماری مناره»، فصلنامه پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال ۴، ش ۳۸، تابستان ۱۴۰۱.

۴-۱. جنگ‌ها و رخداد‌های تاریخی

در سال ۲۹۸ ق/ ۹۱۱ م مسیحیان منطقه وال دمونه شوریدند و ابن ابی خنزیر به آنجا لشکر کشید. سال بعد قیامی فرقه‌ای علیه والی انجام شد. عبیدالله شورشیان را بخشید و ابن خنزیر را عزل کرد و علی بن عمر بلوی را به حکومت سیسیل گماشت. در سال ۳۰۰ ق/ ۹۱۳ م شورش‌هایی میان بربرهای جرجنتی علیه فاطمیان در پالرمو درگرفت (احمد، ۱۳۶۲، ص ۴۲). اعراب و بربرها، زیاده‌الله احمد بن قُرهَب، از خانواده اغلbian را به امارت برگزیدند. او حکومتی مبتنی بر آموزه‌های اهل سنت برقرار کرد و به نام مقتدر عباسی که امارت وی را قانونی اعلام کرده بود، خطبه خواند (ابن اثیر، ۱۳۹۸، ج ۶، ص ۱۴۲). در سال ۳۰۱-۳۰۲ ق/ ۹۱۴ م نیروی دریایی ابن قُرهَب، فاطمیان را در سواحل شمالی آفریقا شکست داد. ابن قُرهَب در سال ۳۰۳ ق/ ۹۱۵-۹۱۶ م، سپاهی به ایتالیا فرستاد و فرماندار بیزانس را در کالابریا خراج‌گزار خویش کرد. در ادامه، بربرها علیه ابن قُرهَب شوریدند و پس از دستگیری، نزد عبیدالله فاطمی فرستادند و باعث اعدامش شدند (احمد، ۱۳۶۲، ص ۴۲). عبیدالله در سال ۳۰۴-۳۰۵ ق/ ۹۱۷ م، ابوسعید موسی بن احمد الضیف را با لشکری از بربرهای کتامة که او را به قدرت رسانده بودند، عازم سیسیل کرد. آنها شورش شهرهای پالرمو، جرجنتی و شهرهای دیگر جزیره را سرکوب و حاکمیت فاطمیان را دوباره بر سیسیل برقرار کردند. ابوسعید پس از آن، سالم بن راشد را والی آنجا کرد و به آفریقه بازگشت. سالم، بیست سال (۳۲۵-۳۰۵ ق/ ۹۱۷-۹۳۷ م) بر جزیره حاکم بود. در سال ۳۲۲ ق/ ۹۳۴ م، قائم، جانشین عبیدالله شد. در سال ۳۲۵ ق/ ۹۳۷ م به سبب خودکامگی سالم، شورش‌هایی جرجنتی و پالرمو و در پی آن تمام جزیره را فراگرفت. در پی آن، بزرگان از خلیفه فاطمی خواستار عزل سالم شدند. قائم، خلیل بن اسحاق را جانشین سالم کرد. خلیل، اطراف پالرمو را همانند مهدیه، پایتخت فاطمیان، از نظر تأسیسات نظامی و تشکیلاتی، مجهز نمود. وی شورش جرجنتی را در سال ۳۲۷ ق/ ۹۳۸ م و مادزارا را به سال ۳۲۸ ق/ ۹۳۹ م آرام کرد و حاکمیت فاطمیان بر جزیره دوباره مسجل شد. خلیل در سال بعد، اداره جزیره را به دو نایب خود ابن کوفی و ابن عطف واگذار کرد (همان، ص ۴۳-۴۴).

در فاصله سال‌های ۳۳۳-۳۳۶ ق/ ۹۴۳-۹۴۷ م خوارج به رهبری ابویزید مخلد بن کیداد

در افریقه شورش کردند که بازتاب آن در سیسیل نمایان شد. بربرها در بخش‌های جنوبی سیسیل شوریدند و از پرداخت خراج و مالیات سر باز زدند (همان، ص ۴۴-۴۵). منصور، حسن بن علی کلبی را برای مقابله با شورشیان، حاکم جزیره کرد (ابن اثیر، ۱۳۹۸، ج ۶، ص ۳۲۶). بدین ترتیب، از این زمان حاکمیت کلبیان بر سیسیل استوار شد.

۴-۲. فرهنگ و تمدن در دوره فاطمیان

در منطقه وال‌دی‌مادزارا، حضور مسلمانان بیش از هر جای دیگری در سیسیل چشمگیر بود. مهاجران مسلمان تازه‌وارد، چه صاحبان حرفه و صنعت، و چه سرباز و پناهنده، در این منطقه ساکن می‌شدند. جمعیت مسیحی جزیره نیز عمدتاً در بخش شرقی و به‌ویژه در وال‌دمونه زندگی می‌کردند. مسلمانان سیسیل، در تشکیلات اداری فاطمیان در افریقه به مقامات عالی رسیدند. جوهر سیسیلی، از بردگانی بود که نَسبی سیسیلی - بیزانسی داشت. او عملاً حکومت فاطمیان را در سراسر شمال آفریقا گسترش داد و در سال ۳۵۸ ق/ ۹۶۹ م مصر را فتح کرد (احمد، ۱۳۶۲، ص ۴۶).

به دستور او، جامع الأزهر مصر در سال ۳۶۱ ق بنا شد (ابن خلکان، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۱۴). در این زمان، در معماری ابنیه، همچون مصر و ایتالیا، از طاق‌های گوتی (جناغی) در سیسیل استفاده می‌شده است. ظاهراً اروپاییان این نوع معماری را از اعراب اقتباس کرده بودند (لوپون، ۱۳۵۸، ص ۷۱).

۵. کلبیان در سیسیل (۳۳۵-۴۵۵ ق)

در سال ۳۳۵ ق/ ۹۴۷ م قبیله‌ای اصیل به نام بنوطبری، که ریشه‌ای ایرانی داشتند، علیه ابن عطفای قیام کردند. منصور فاطمی، حسن بن علی کلبی را از شمال آفریقا برای مقابله با این شورش به پالرمو اعزام کرد. حکومت وی به تأسیس سلسله نیمه‌مستقلی به نام کلبیان انجامید که بالغ بر نود سال بر سیسیل فرمان راند (احمد، ۱۳۶۲، ص ۴۹).

۵-۱. جنگ‌ها و رخداد‌های تاریخی

حسن کلبی در سال‌های ۳۴۰-۳۴۱ ق/ ۹۵۰-۹۵۱ م، دوبار به شبه جزیره ایتالیا حمله کرد.

او امارت سیسیل را به پسرش، احمد بن حسن سپرد و خود به دربار فاطمیان بازگشت (زارع، ۱۳۹۲، ص ۴۷). در سال ۳۴۴ ق، عبدالرحمان ناصر، خلیفه اموی اندلس، با کنستانتین هشتم، امپراتور بیزانس که قصد داشت جزیره سیسیل را از فاطمیان و کلیبان بگیرد، پیمان دوستی بست (ناصری طاهری، ۱۳۷۵، ص ۱۲۲).

احمد نخست به نبرد با امویان اسپانیا و در سال ۳۴۶-۳۴۷ ق/ ۹۵۵ م همراه برادر، به جنگ با ایتالیایی‌ها پرداخت و منطقه جنوب مسینا را که نیمه مستقل و مسیحی‌نشین بود، به تسلط خود درآورد. از جمله این شهرها، طرمینی (تائورمینا) بود که به افتخار معز، خلیفه فاطمی، معزیه نامیده شد (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۶۶). در این زمان، مسیحیان رامتا (رَمَطَه) شورش کردند و از نیسفوروس فوکاس، امپراتور بیزانس کمک خواستند. احمد نیز از معز فاطمی مدد طلبید. معز، لشکری به فرماندهی پدرش حسن اعزام کرد. در این نبرد، مسیحیان شکست خوردند و فرمانده‌شان، نیستاس به اسارت درآمد و به افریقیه اعزام شد. بدین ترتیب، در سال ۳۵۴ ق/ ۹۶۵ م، رامتا توسط مسلمانان فتح شد. حسن، مؤسس خاندان کلبی، در حین محاصره شهر درگذشت (احمد، ۱۳۶۲، ص ۴۹-۵۰). این جنگ، به المجاز شهره است (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۲۶). فاطمیان نمی‌خواستند کلبی‌ها دائماً در سیسیل حکومت کنند؛ از این رو پس از شانزده سال حکومت، احمد با خانواده‌اش به افریقیه فراخوانده و یعیش، حاکم سیسیل شد. با آغاز بی‌نظمی‌ها در سیسیل، یعیش فراخوانده و ابوالقاسم علی بن حسن، برادر احمد در سال ۳۵۹ ق/ ۹۷۰ م حاکم آنجا شد. با انتقال پایتخت از افریقیه به قاهره، استقلال کلبیان مسجل گردید (احمد، ۱۳۶۲، ص ۵۰-۵۱).

با مرگ ابوالقاسم در جنگ با ایتالیایی‌ها، بزرگان سیسیل، پسرش جابر را به امارت برگزیدند و عزیز، خلیفه فاطمی، انتخابشان را تأیید کرد (زارع، ۱۳۹۲، ص ۴۹). اما چندی بعد جابر به علت بی‌کفایتی، عزل شد و جعفر بن محمد به جایش نشست. با مرگ جعفر، برادرش عبدالله بن محمد حکومت یافت، اما وی در همان سال از دنیا رفت (احمد، ۱۳۶۲، ص ۵۱-۵۲). پس از وی، ابوالفتح یوسف بن عبدالله، جانشین پدر شد (ابن اثیر، ۱۳۹۸، ج ۸، ص ۱۵۷) و خلیفه فاطمی پس از تأیید، لقب ثقه‌الدوله را به او عطا کرد. یوسف در سال ۳۸۸ ق/ ۹۹۸ م بر اثر

بیماری از کارکناره گرفت و پسرش جعفر، با دریافت عناوین تاج‌الدوله و سیف‌الملّه از الحاکم، خلیفه فاطمی، جانشینش شد. جعفر، فردی بی‌کفایت بود و انحطاط کلیبان از زمان او آغاز گردید. در زمان وی، شورش‌هایی در سیسیل انجام شد. برادرش، علی بن یوسف، در سال ۴۰۵ ق/۱۰۱۵ م به کمک بربرها و بردگان سیاه‌پوست شوریدند، اما سرکوب شدند و علی کشته شد. شورش دیگری نیز در پالمورخ داد که یوسف، پدر جعفر، پادرمیانی کرد و شورشیان آرام شدند. یوسف، پسرش جعفر را عزل و پسر دیگرش، احمد، معروف به اکحل را منصوب کرد. احمد از الحاکم، خلیفه فاطمی، لقب تأییدالدوله گرفت (احمد، ۱۳۶۲، ص ۵۲). در زمان احمد، منازعاتی میان او و بیزانس انجام شد. در این زمان، اتحادی میان کلیبان و زیریان که در افریقیه حکومت می‌کردند، به وجود آمد، اما این اتحاد دیری نپایید و معز زیری، شورش سیسیلی‌ها به رهبری ابوحفص را حمایت کرد. در سال ۴۳۰ ق/۱۰۳۷-۱۰۳۸ م احمد در نبرد با شورشیان شکست خورد و به قتل رسید. در همین سال، بیزانسی‌ها با سپاه نیرومندی به مسینا حمله کردند و مسیحیان سیسیل هم به آنها پیوستند (همان، ص ۵۳).

حکومت کلیبان در سال ۴۳۱-۴۳۲ ق/۱۰۴۰ م دچار آشفتگی شد و تا یک دهه ادامه یافت. در همین سال، حسن الصمصام (صمصام‌الدوله)، عبدالله بن معز زیری را شکست داد و پس از مدتی از قدرتش کاسته شد. در همین دهه انحطاط، سیسیل به قلمروهای کوچک تقسیم گردید. قائد عبدالله بن منکور (منکوت)، حاکم تراپانی (طرابنه/ اطرابنش)، مارسالا، مادزارا، شیاکا و جلگه‌های غربی شد و علی بن نعمان (ابن حواس)، حاکم کاستروجووانی، جرجنتی و کاسترونووو گردید (همان، ص ۵۷-۵۸). در سال ۴۳۵-۴۳۶ ق/۱۰۴۴ م صمصام توسط سران سپاه معزول شد (زارع، ۱۳۹۲، ص ۵۲). در ادامه، گروه اشراف بر سیسیل حکومت کردند که ابن حواس، قدرتمندترینشان بود. میان سال‌های ۴۴۴-۴۵۵ ق/۱۰۵۳-۱۰۶۳ م، محمد بن ابراهیم بن ثمنه (ابن ثمنه)، حاکم سیسیل شد (همان، ص ۵۷-۵۸).

۵-۲. دلایل فراز و فرود کلیبان

عللی که موقعیت کلیبان را در سیسیل تثبیت کرد، عبارتند از:

الف) رضایت عمومی مسلمانان سیسیل؛

ب) آرامش نسبی جزیره؛

ج) گسترش مهاجران مسلمان به سیسیل؛

د) نیاز خلفای فاطمی به حکومتی دست‌نشانده، صدیق و کارآمد در عملیات دریایی

در سیسیل (همان، ص ۵۱).

دلایلی که باعث فروپاشی دولت کلبیان شد، عبارتند از:

الف) اختلاف میان بربرها، اعراب و مسلمانان بومی جزیره؛

ب) برکشیدن افراد نالایق؛

ج) ضعف تدریجی فاطمیان؛

د) تهاجمات آل‌زیری (زارع، ۱۳۹۲، ص ۵۵-۵۸).

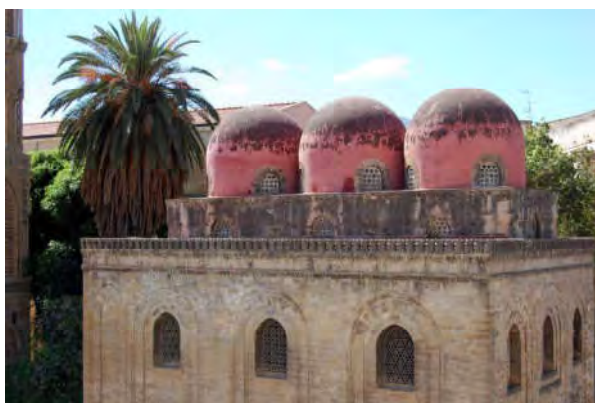
۵-۳. فرهنگ و تمدن در دوره کلبیان

یکی از نویسندگان معتقد است که سیسیل هرگز در دوران تاریخی خود، تمدن و ثروت دوره کلبیان را نداشته است. در این زمان، دانشگاه پزشکی پالمو، همسنگ دانشگاه‌های بغداد و قرطبه بوده است (امیرعلی، ۱۳۶۶، ص ۵۶۵).

کلبیان مانند فاطمیان، شیعه اسماعیلی بودند. در روزگار خاندان ابوالحسین، در آن جزیره عقاید عبیدیان (فاطمیان) را تبلیغ می‌کردند. آنها در نماز میت، پنج تکبیر می‌گفتند و به اسلام ابوطالب علیه السلام اقرار داشتند (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۸۶). کتاب دیوان ابی طالب علیه السلام و ذکر اسلامه توسط ابونعیم لغوی گردآوری شده که در سیسیل از دنیا رفته است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۲۶، ص ۴۵-۴۶).

هنر و معماری اسلامی به جای مانده در سیسیل، برخی به دوره کلبی‌ها مربوط می‌شود. مقرنس‌ها و نقوش گیاهان، حیوانات و شکار در سقف کلیساها و قلعه‌ها، مؤید این مطلب است. کلیسای سن‌کاتالدو^۱ در پالمو که دارای سه گنبد عربی کوچک سرخ‌رنگ و خطوط عربی است، از بناهای دوره کلبیان می‌باشد (ماریومورینو، ۱۹۶۸، ص ۵۱-۵۷). (تصویر شماره ۱)

1. San Cataldo.



تصویر شماره ۱: کلیسای سن کاتالدو، پالرمو (منبع: اینترنت)

رواق کلیسای مونرئالی^۱ (تصویر شماره ۲) و خطوط عربی - کوفی در ستون‌های کلیسای لامورتورانا^۲ (تصویر شماره ۳) به دوره کلبیان بازمی‌گردد (همان).



تصویر شماره ۲: رواق کلیسای مونرئالی، پالرمو (منبع: اینترنت)



تصویر شماره ۳: خطوط عربی - کوفی در ستون‌های کلیسای لامورتورانا (منبع: اینترنت)

از دیگر مظاهر معماری کلبیان در سیسیل، قصر معروف فاوارا واقع در پالمو است که احتمالاً به دستور امیر جعفر ساخته شده است (خبرگزاری ایرنا، «نگاهی به جزیره سیسیل و...» (تصویر شماره ۴). <https://www.irna.ir/news/5785543>



تصویر شماره ۴: قصر فاوارا، پالمو (منبع: اینترنت)

۶. نورمان‌ها در سیسیل

دسته‌ای از شهسواران نورمان (نورماندی)^۱ هنگام بازگشت از زیارت بیت المقدس، مسلمانانی را که شهر سالرنو را به محاصره درآورده بودند، متواری ساختند. گواثیمار چهارم، امیر سالرنو، تحت تأثیر این حرکت قرار گرفت و از نیروهای مزدور ارتش نورمان دعوت کرد که به سپاه وی بپیوندند. در نتیجه، بسیاری از ماجراجویان نورمان به جنوب ایتالیا وارد شدند (احمد، ۱۳۶۲، ص ۸۱).

برخی از علل توجه نورمان‌ها به سیسیل عبارتند از:

الف) وجود زمین‌های حاصلخیز؛

ب) حضور گسترده مسلمانان و احتمال تهاجم به ایتالیا؛

ج) وجود هرج و مرج و کاهش قدرت کلبیان؛

د) قول ابن ثمنه برای اهدای بخشی از جزیره در ازای کمک نورمان‌ها؛ چراکه بخش‌هایی از جزیره به دست ابن حواس اشغال شده بود؛

ه) تقسیم سیسیل به قلمروهای کوچک (همان، ص ۸۳-۸۴).

البته گوستاو لوبون وضعیت رقت‌بار مسیحیان در سیسیل را دلیل تهاجم نورمان‌ها می‌داند (لوبون، ۱۳۵۸، ص ۳۷۲).

۶-۱. جنگ‌ها و رخداد‌های تاریخی

نخستین فرمانده نورمان‌ها که عازم سالرنو شده بود، گیوم ملقب به پولاد دست، یکی از پسران تانکرد اوتویلی (تنکرید) بود. بعد از درگذشت گیوم در سال ۴۳۹-۴۴۰ ق/ ۱۰۴۸ م، برادرش، دروگو و پس از او، برادر دیگر، روبر گیسکار، وارد میدان سیاست شد (احمد، ۱۳۶۲، ص ۸۲). از طرف دیگر، روزه (روجر/ رجار)،^۲ برادر دیگر، رقیبی برایش بود. وی به دعوت ابن ثمنه، مسینا را تصرف کرد و آنجا را مرکز عملیات قرار داد. مسیحیان اطراف، هیچ مقاومتی در برابر نورمان‌ها نشان ندادند. در این حمله‌ها، ابن ثمنه، یاور دو برادر مسیحی بود، اما در نبردی کشته شد (همان، ص ۸۲-۸۴).

۱. نورمان‌ها قومی از شمال اروپا بودند که فرانسه و انگلستان را فتح کردند و از شرق تا قسطنطنیه پیش رفتند. آنها در ایتالیا و سیسیل حکومتی تشکیل داده و مسلمانان را از آنجا بیرون راندند (لوبون، ۱۳۵۸، ص ۳۷۰).

2. Count Roger.

برخی از مسلمانان سیسیل به افریقه رفته و وضع فلاکت بار مردم را به معزبن بادیس گزارش دادند. او ناوگانی به سوی جزیره فرستاد، اما به سبب طوفان، پراکنده شدند (همان، ص ۸۵). چندی بعد تمیم، پسر معز، نیروی دیگری به فرماندهی پسرانش ایوب و علی به جزیره فرستاد. آنها حاکمیت پدرشان را بر پالمو و مادزارا تا چفالو استوار کردند. از سال ۴۵۴-۴۵۵ ق/ ۱۰۶۳ م، ایوب، کارآموده ترین رهبر نظامی در سیسیل بود و مالک الرقاب (صاحب اختیار) جرجنتی، کاستروجووانی و پالمو گردید. در سال های ۴۵۷-۴۶۰ ق/ ۱۰۶۵-۱۰۶۷ م میان مسلمانان و نورمان ها نزاع هایی درگرفت. روزه در سال ۴۶۰-۴۶۱ ق/ ۱۰۶۸ م، ایوب را در میزیلمری شکست داد و آنها به آفریقا برگشتند (همان).

نورمان ها چند سال بعد عازم جزیره شدند و توانستند مقر طرفداران ابن ثمنه را با خیانت به تصرف درآورند. آنها سپس پالمو را در سال ۴۶۴ ق/ ۱۰۷۲ م تصرف کردند و آنجا را پایتخت خود قرار دادند.^۱ مدتی بعد، مادزارا و در سال ۴۶۴-۴۶۵ ق/ ۱۰۷۲ م تمامی سواحل شمال غربی جزیره به دست برادران روبر و روزه افتاد. مسلمانان در منطقه وال دمونه، کاستروجووانی و سیراگوزا در جنوب بودند. رهبر مسلمانان در این زمان، بناورت بن عروه (بناروت) بود. مسلمانان سیسیل بار دیگر از زیری ها کمک خواستند. تمیم زیری، ناوگانی به نیکوتر در کالابریا فرستاد، اما توسط نورمان ها در سال ۴۶۷-۴۶۸ ق/ ۱۰۷۵ م عقب زده شد. در ادامه، میان مسلمانان به فرماندهی ابن عروه و نورمان ها درگیری هایی رخ داد. ابن عروه با آتش زدن کلیساها و اسارت گرفتن کشیشان، واکنش مسیحیان ایتالیا را برانگیخت و مبارزه با مسلمانان، جنبه جهاد به خود گرفت. روزه از این مسئله استفاده کرد و باعث فتوح نورمان ها در سیسیل شد. در سال ۴۷۹-۴۷۸ ق/ ۱۰۸۶ م ابن عروه به قتل رسید و سیراگوزا و جرجنتی به تصرف مسیحیان درآمد. کاستروجووانی نیز به سبب تسلیم و مسیحی شدن حمود، تسلیم شد (همان، ص ۸۶-۸۸). در سال های ۴۷۸-۴۸۱ ق/ ۱۰۸۶-۱۰۸۸ م روزه، بوترا را اشغال کرد و مسلمانان آنجا به کالابریا تبعید شدند. در سال ۴۸۳-۴۸۴ ق/ ۱۰۹۱ م نوتر، آخرین شهر مسلمانان، تسلیم شد (ناصری طاهری، ۱۳۷۵، ص ۱۲۲). فتح سیسیل توسط نورمان ها، سی سال (۴۸۴-۴۵۳ ق/ ۱۰۶۱-۱۰۹۱ م) طول کشید (آل علی، ۱۳۷۰، ص ۳۵۳) و روزه بیشترین نقش را در تصرف جزیره داشت؛ هرچند برادرش

۱. نویسنده اسلام در غرب، تاریخ تصرف را سال ۴۶۲ ق/ ۱۰۷۰ م می داند (آل علی، ۱۳۷۰، ص ۳۵۳).

نیز کمک‌هایی به او کرده بود (احمد، ۱۳۶۲، ص ۸۹). گفته می‌شود که نورمان‌ها در تهاجمات خویش به سیسیل، جنایات زیادی انجام دادند (ر. ک: لوبون، ۱۳۵۸، ص ۳۷۲-۳۷۶).

روژه در سال‌های ۴۸۴-۴۹۴ ق/ ۱۰۹۱-۱۱۰۱ م با تساهل بر جزیره حکومت کرد؛ از این رو مسلمانان مطیع او شدند و حتی در سپاهش، مسلمان نیز وجود داشت. وی در برابر فشار مقامات کلیسا مبنی بر تغییر مذهب مسلمانان، مقاومت می‌کرد. در این میان، تنها مسلمانان پانتالیکا علیه او شوریدند، اما سرکوب شدند. روژه در سال ۴۹۴ ق/ ۱۱۰۱ م درگذشت (احمد، ۱۳۶۲، ص ۸۹-۹۰) و پس از او، همسرش، کنتس آدلایید، به مدت ده سال ۴۹۴-۵۰۴ ق/ ۱۱۰۱-۱۱۱۱ م به نام سیمون، پسر اول و روژه دوم، پسر دوم، بر سیسیل و کالابریا فرمان راند. روژه دوم که پس از مادر به حکومت رسید، برترین فرمانروای نورمان‌ها بود. او در رویارویی با اروپاییان، از مسلمانان سیسیلی نیز استفاده کرد. میان روژه دوم و دولت‌های شمال آفریقا نیز برخوردهایی صورت پذیرفت و تصرفاتی انجام گرفت. روژه دوم، هم پادشاه سیسیل و هم افریقيه شده بود و مردم افریقيه به او خراج می‌پرداختند. وی در سال ۵۴۸-۵۴۹ ق/ ۱۱۵۴ م درگذشت. پس از روژه دوم، پسرش گیوم اول، معروف به گیوم بد، در همین سال به حکومت رسید. او امور دولت را به وزیران سپرد. از وقایع زمان او می‌توان به اشغال شهرهای بادی، ترانی، جوننتسو و مولنتا در سال ۵۴۹ ق/ ۱۱۵۴-۱۱۵۵ م اشاره کرد که البته آنها را پس گرفت. در سال ۵۵۰-۵۵۱ ق/ ۱۱۵۶ م قیامی از طرف اشراف و در شمال آفریقا نیز قیام‌هایی انجام شد که باعث ازدست‌دادن پاسگاه‌های شمال آفریقا شد (همان، ص ۹۵-۹۶). گیوم اول پیش از مرگ در سال ۵۶۱ ق/ ۱۱۶۶ م ملکه مارگریت را به نیابت از سلطنت تعیین کرد، اما شورای ده نفره که توسط اشراف یاغی تشکیل شده بود، قدرت را از ملکه گرفت (همان).

گیوم دوم، ملقب به گیوم خوب در سال ۵۶۶-۵۶۷ ق/ ۱۱۷۱ م به حکومت رسید. او باب مراوده را میان اروپا و سرزمین قدس گشود و از نخستین کسانی بود که در آغاز جنگ سوم صلیبی، صلیب برگرفت؛ اما نتوانست در جنگ شرکت کند و در سال ۵۸۵ ق/ ۱۱۸۹ م از دنیا رفت (همان، ص ۹۷). بعد از گیوم دوم، تانکرد، نوه روژه دوم، حاکم شد. در نخستین سال حکومت، مسلمانان سیسیل شورش کردند که پایان حضور مسلمانان در سیسیل بود.

هنگامی که جنگ سوم صلیبی به سیسیل رسید، ریچارد شیردل مسینا را اشغال کرد، اما تانکرد با وی صلح نمود. تانکرد در سال ۱۱۹۴/ق/۵۹۰م از دنیا رفت (همان، ص ۹۹). پس از تانکرد، گیوم سوم به جای پدر نشست، ولی مادرش، سیبیلانیابت سلطنت داشت. در سال ۱۱۹۴/ق/۵۹۰م، هنری (هانری) ششم، امپراتور آلمان، به طرف جنوب ایتالیا حرکت کرد و با کمک ناوگان‌های پیزا و جنوا، سیسیل را فتح کرد و به حکمرانی نورمان‌ها خاتمه داد و دوره سوابی‌ها آغاز شد (همان، ص ۱۰۰).

۲-۶. فرهنگ و تمدن

فرهنگ و تمدن سیسیل در زمان نورمان‌ها، به دو تمدن بزرگ و تأثیرگذار جهان، یعنی تمدن یونان و تمدن عرب و اسلام پیوند خورده بود. نورمان‌ها با تسامح خود نسبت به دانشمندان مسلمان، زمینه‌ای را فراهم آوردند که در آن، پیشرفت چشمگیری در زمینه‌های مختلف علوم، از جمله پزشکی، ریاضیات، نجوم و فلسفه، حاصل شد. سلاطین نورمان با آگاهی از برتری مسلمانان و اعراب در این زمینه‌ها، از دانش و تجربه آنها بهره بردند و بدین ترتیب، سیسیل به یکی از مراکز مهم علمی و فرهنگی در اروپا تبدیل شد (لوبون، ۱۳۵۸، ص ۳۷۰). در این دوره، هویت اسلامی - عربی سیسیل حفظ شد و مساجد و مراکز اسلامی همچنان فعال بودند. بانگ اذان از مناره‌ها بلند بود و نماز عید به طور منظم برگزار می‌شد (ابن جبیر، ۱۳۷۰، ص ۴۰۱ و ۴۰۴).

روژه دوم به زبان عربی سخن می‌گفت و می‌نوشت^۱ و دستورات و بخشنامه‌های او به زبان‌های عربی، یونانی و لاتینی نوشته می‌شد (لوبون، ۱۳۵۸، ص ۳۷۷). وی در دربار خود، از وزیران و کارگزاران مسلمان و نیز مسیحی مسلط به زبان عربی استفاده می‌کرد و تعداد بی‌شماری از دانشمندان عرب در دربار او بودند (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص ۳۵۳). ادریسی، جغرافی‌دان معروف، که متولد سال ۴۹۳/ق/۱۱۰۰م در سوته^۲ مغرب است، کتاب *نزهة المشتاق فی اختراق الأفاق* را برای وی تألیف نمود (حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۴۷ و آل‌علی، ۱۳۷۰، ص ۳۵۳). این اثر، به کتاب *روجار* (روژه) هم معروف است (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۹۹). روژه دوم در *حرمسرای*

۱. تسلط به زبان عربی برای دیگر حاکمان مسیحی سیسیل مانند گیوم هم ذکر شده است (ر. ک: ابن جبیر، ۱۳۷۰، ص ۳۹۵).
2. Coûte.

خود، زنان مسلمان داشت. وی به مطالعه علمی در سنت‌های اسلامی می‌پرداخت. برخی او را در باطن، مسلمان می‌دانند (احمد، ۱۳۶۲، ص ۹۵-۹۴). از سکه‌های باقی‌مانده از دوره روژه دوم نقل شده که دارای کلمات و نقوش عربی بوده است (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص ۳۵۳).

شعار گیوم خوب، الحمد لله شکرًا لأنعمه بوده است. برخی از دولتمردان، کارگزاران و بازرسان وی، مسلمان بوده‌اند. برخی نیز به ظاهر ادعای مسیحیت می‌کردند (ابن جبیر، ۱۳۷۰، ص ۳۹۵-۳۹۶). ابن جبیر که در سال ۵۷۹ق/۱۱۸۴م از پالمو و سایر شهرهای سیسیل دیدار کرده بود، آبادی و مملکت داری آنجا را توصیف می‌کند. او از کشاورزی پیشرفته و ردیف‌کاری درختان میوه، به ویژه انگور و وجود تعداد بی‌شماری درخت پایپروس مثال می‌زند. همچنین به لباس زنان مسیحی اشاره می‌کند که همانند البسه زنان مسلمان بوده است؛ حتی بانوان مسیحی، روبند داشته و مانند زنان مسلمان خود را معطر و خضاب می‌کردند (همان، ص ۴۰۶).

فردریک دوم،^۱ نواده روژه دوم، ملقب به امپراتور روم مقدس، بزرگ‌ترین پادشاه نورمان‌هاست که علاوه بر سیسیل، بر آلمان هم حکومت می‌کرد و در جنگ‌های صلیبی شرکت نمود. فردریک آن‌چنان شیفته آداب و رسوم مسلمانان و اعراب بود که از وی با لقب نیمه‌مشرك یاد می‌شود. او به سبک عرب‌ها لباس می‌پوشید و در دربار خود، دانشمندان عرب‌زبان را گرد آورده بود (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص ۳۵۴). وی مؤسس مرکز علمی ناپل در سال ۶۲۰ق/۱۲۲۴م است که آغازگر جنبش علمی در اروپا بود. توماس اکوئیناس،^۲ دانشمند اروپایی قرون وسطا، از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه است (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص ۳۵۵). در این مرکز، مجموعه‌ای از تألیفات فلسفی ابن رشد و سایر فلاسفه مسلمان و کتب دیگر فراهم آمده بود و به تدریج به لاتینی ترجمه و در شمار کتاب‌های درسی قرار می‌گرفت. این اقدامات در فاصله سال‌های ۵۴۴-۴۹۰ق/۱۱۹۷-۱۲۵م زیر نظر متفرید، فرزند فردریک صورت گرفت (مشکاه‌الدینی، ۱۳۵۰، ص ۴۰۸). حتی نسخه‌هایی از این کتاب‌ها، به دانشگاه‌های پاریس و بلوین^۳ ارسال شد (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص ۳۵۵).

1. Fredrick II.
2. Thomas Aquinas.
3. Bologna.

فردریک به ابن‌العربی و مترجمان دستور داد کتاب‌های پرورش حیوانات را از عربی و فارسی برای او ترجمه کنند و این کار، مقدمه نگارش کتاب او در تربیت باز و شاهین و نخستین کتاب در پرورش حیوانات در سراسر اروپا بوده است. حتی حاکم ایوبی، حیواناتی از جمله زرافه مصری برای او فرستاد. این برای نخستین بار بود که زرافه به اروپا راه پیدا می‌کرد (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص ۳۵۴). تئودور، منجم دربار، کتاب سر الأسرار را که در زمینه بهداشت و تندرستی بود، برایش از عربی ترجمه کرد. پس از مرگ تئودور، اسکات جانشین او شد که از بزرگ‌ترین محققان و دانشمندان سیسیل و ایتالیا به شمار می‌رفت. او چند کتاب از جمله کتاب‌های ابن‌سینا را به لاتینی ترجمه کرد (همان، ص ۳۵۵). حاکمان مسیحی سیسیل، با امیران مسلمان مغرب ارتباط و تعامل داشته‌اند. ابن‌سبعین، فیلسوف، پزشک و گیاه‌شناس اندلسی، در پاسخ به فردریک دوم، که سؤالاتی را در طبیعیات و الهیات مطرح نموده و از عبدالواحد الراشد، خلیفه موحدان، تقاضای پاسخ کرده بود، کتاب یا رساله‌ای تحت عنوان الأجابة عن الأسئلة الصقلیه را نگاشت (همان، ص ۳۳۶).

فرج‌بن‌سلیم، پزشک کلیمی است که به روزگار شارل اول بوده و کتاب الحاوی رازی و کتاب‌های دیگر را به زبان لاتینی ترجمه کرده است (همان، ص ۳۵۶). یکی از خاورشناسان، علت اصلی انتشار علوم در اروپا را جنگ‌های صلیبی نمی‌داند؛ بلکه عامل آن را کشورهای اسپانیا، سیسیل و ایتالیا دانسته است (لوبون، ۱۳۵۸، ص ۷۰۴-۷۰۵).

هنر و معماری اسلامی، بر هنر و معماری دوره نورمان‌ها، بسیار تأثیرگذار بود. با مقایسه آثار هنری و معماری باقی‌مانده در ایران و سیسیل و به سبب حضور معماران و هنرمندان ایرانی در سیسیل، این تأثیر به خوبی مشاهده می‌شود (ر.ک: فتحی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۰۱-۱۱۷). به نظر می‌رسد که بنای کوبولا در پالمو، گرته برداری از آرامگاه امیر اسماعیل سامانی در بخارا است (همان، ص ۱۱۱) (تصویر شماره ۵).



تصویر شماره ۵، مقایسه کوبولا در پالمو با مقبره امیر اسماعیل سامانی
در بخارا (منبع: فتیح و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۱)

از نمونه‌های دیگر تأثیر معماری اسلامی، قصر القبه (کوبا) در پالمو است که توسط
هنرمندان خلاق مسلمان برای روزه دوم ساخته شده است (تصویر شماره ۶).



تصویر شماره ۶: قصر القبه (کوبا) (منبع: اینترنت)

با توجه به نقاشی به جامانده از این قصر که در میان آب قرار دارد، به نظر می‌رسد
معماران مسلمان، گرد قصر، دریاچه‌ای مصنوعی ساخته بودند که زیباییش را دوچندان
کند (تصویر شماره ۷).



تصویر (نقاشی) شماره ۷: قصر القبه (کوبا) (منبع: اینترنت)

قصر با گنبد های عربی، طاق ها، گچبری ها و مثلث هایی با حکاکی خطوط عربی- کوفی
 تزئین شده است (بساتین، بی تا، <http://manuscripts.ir/ar>) (تصاویر شماره ۸ و ۹)



تصویر شماره ۸: قصر القبه (کوبا) (منبع: اینترنت)



تصویر شماره ۹: خطوط عربی منقوش در قصر القبه (منبع: اینترنت)

مناره مربع شکل که در اندلس، مغرب، تونس و مصر رواج داشته است، در سیسیل و سپس اروپا تقلید شد. نمونه‌هایی از این معماری، در کلیسای جامع پالرمو مشاهده می‌شود (تصویر شماره ۱۰).



تصویر شماره ۱۰: مناره‌های (ناقوس‌خانه‌ها) مربع شکل در کلیسای جامع پالرمو (منبع: اینترنت)

صنعت کاشی‌کاری با نقش و رنگ آمیزی چشم‌نواز، در سیسیل به وجود آمد که متأثر از هنر اسلامی بود. نمونه‌هایی از آن در کلیسای پلاتین (پالاتین/کاپلا پلاتینا) در پالمو دیده می‌شود (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص ۳۵۷) (تصویر شماره ۱۱). این کلیسا، جزو ده کلیسای زیبای جهان محسوب می‌شود. تأثیر تصاویر نمازخانه این کلیسا از هنر ایرانی به ویژه دوره ساسانی، به خوبی دیده می‌شود (ر.ک. فتحی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۰۱-۱۱۷).



تصویر شماره ۱۱: نمازخانه کلیسای پلاتین (منبع: اینترنت)

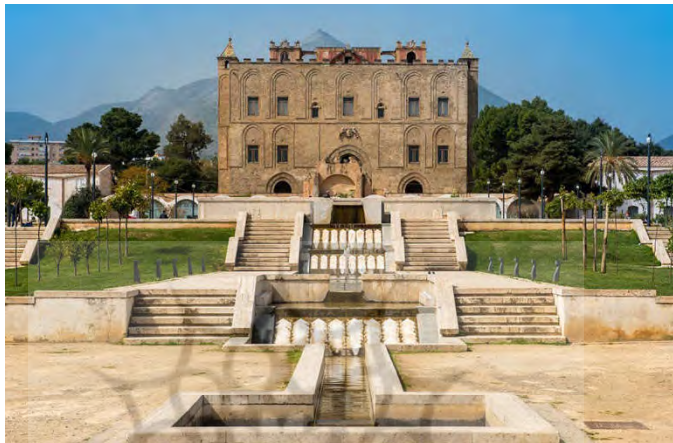
قصر نورمن^۱ (نورمان) در پالمو، از قصرهای زیبایی است که در قرن سوم هجری توسط مسلمانان ساخته شده و در زمان فردریک دوم نورمانی، بازسازی و باشکوه‌تر گردیده است (تصویر شماره ۱۲).



تصویر شماره ۱۲: قصر نورمن، پالمو (منبع: اینترنت)

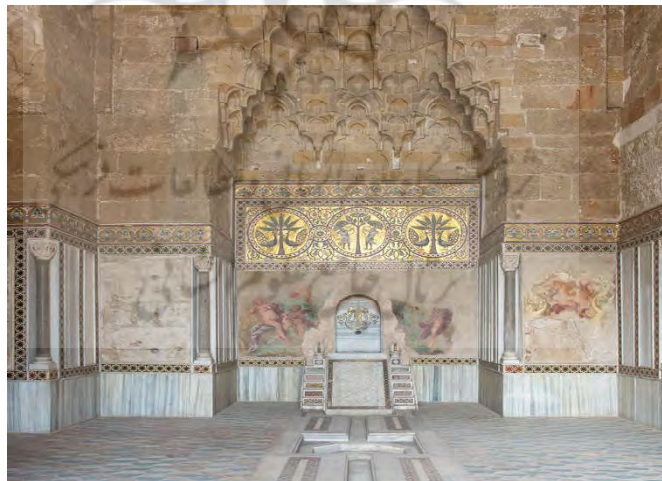
1. Palazzo dei Normanni.

قصر زیزا (عزیزه) که در پالمو قرار دارد، به عهد نورمان‌ها بازمی‌گردد. مقرنس‌های آن همانند قصر الحمرا در اسپانیا و مسجد جامع اصفهان دوره سلجوقی است (همان، ص ۱۱۰-۱۱۱) (تصاویر شماره ۱۳ و ۱۴).



تصویر شماره ۳: قصر زیزا (عزیزه)، پالمو

(منبع: <https://www.wondersofsicily.com/palermo-la-zisa.htm> و لوبون، ۱۳۵۸، ص ۳۷۱)



تصویر شماره ۱۴: مقرنس‌کاری‌های قصر زیزا (عزیزه)، پالمو

(منبع: <https://www.wondersofsicily.com/palermo-la-zisa.htm> و لوبون، ۱۳۵۸، ص ۳۷۵)

کاشی‌های موجود در قصر زیزا هم زیبا و چشم‌نواز می‌باشد (تصویر شماره ۱۵).



تصویر شماره ۱۵: کاشی‌های قصر زیزا (عزیزه)، پالرمو (منبع:

<https://www.wondersofsicily.com/palermo-la-zisa.htm>

پارچه‌های ابریشمی و مخملی در کارگاه‌های نساجی سیسیل، توسط هنرمندان مسلمان تهیه شده و لباس‌های زربفت و قلاب‌دوزی شده، به سبک لباس خلفا، برای پادشاهان و اشراف بافته می‌شد (آل‌علی، ۱۳۷۰، ص ۳۵۷).

نتیجه‌گیری

سیسیل، جزیره‌ای سبز و حاصلخیز در قلب مدیترانه، بیش از چهار قرن تحت تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی بود. در این دوره، مسلمانان با بهره‌گیری از منابع طبیعی جزیره و همچنین دانش و مهارت خود، آن را به یکی از مراکز مهم اقتصادی، فرهنگی و هنری در اروپا تبدیل کردند. در آغاز، حملات مسلمانان به سیسیل با هدف جهاد و گسترش اسلام انجام می‌شد. اما با گذشت زمان، مسلمانان به این جزیره علاقمند شدند و به فکر تسخیر آن افتادند. سرانجام، در دوره حکومت اقلیبیان، سیسیل به تصرف مسلمانان درآمد. در دوره حکومت فاطمیان و کلبیان، تسلط مسلمانان بر سیسیل ادامه یافت. در این دوره، فرهنگ و تمدن اسلامی در این جزیره به اوج خود رسید. با سقوط کلبیان، نورمان‌های مسیحی در

سیسیل به حکومت رسیدند، اما بزرگان و دانشمندان مسلمان توانستند با نفوذ بر حاکمان نورمان، فرهنگ و تمدن اسلامی را در این جزیره حفظ کنند. امروزه، پس از گذشت قرن‌ها، هنوز هم می‌توان آثار و نشانه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی را در سیسیل مشاهده کرد. این آثار شامل مساجد، کلیساها، قصرها و سایر بناهای تاریخی است. تسامح و تساهل حاکمان مختلف سیسیل، به ویژه نورمان‌های مسیحی باعث شد که گروه‌های مختلف مذهبی و قومی در این جزیره با یکدیگر در صلح و آرامش زندگی کنند. این همزیستی مسالمت‌آمیز، زمینه‌ساز شکوفایی و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی در سیسیل شد. در این سده‌ها، هنر، معماری، دانش و فنون گوناگون در سیسیل ترقی یافت و حتی در اروپا تأثیر گذاشت، اما فرجام این منطقه همانند اسپانیا رقم خورد و مسلمانان، پس از قرن‌ها حضور در این جزیره، آن را ترک کردند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. آل علی، نورالدین، ۱۳۷۰ ش، اسلام در غرب، تهران: دانشگاه تهران.
۲. آیتی، محمدابراهیم، ۱۳۶۳ ش، اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، تهران: دانشگاه تهران.
۳. ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن عبدالواحد الشیبانی، ۱۳۹۸ ق، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار الفکر.
۴. _____، ۱۳۷۱ ش، کامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ترجمه: ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: علمی.
۵. ابن جبیر، محمد بن احمد، ۱۳۷۰ ش، سفرنامه ابن جبیر، ترجمه: پرویز اتابکی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۶. ابن خلدون، عبدالرحمان، ۱۳۶۳ ش، العبر، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۷. _____، ۱۳۷۵ ش، مقدمه، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
۸. ابن خلکان، ۱۳۸۱ ش، منظر الانسان (ترجمه و فیات الاعیان)، ترجمه: احمد بن محمد بن عثمان سنجرى، تصحیح و تعلیق: فاطمه مدرسی، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
۹. احمد، عزیز، ۱۳۶۲ ش، تاریخ سیسیل در دوره اسلامی، ترجمه: نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۰. ارسلان، شکیب، ۱۳۷۰ ش، تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا، ترجمه: علی دوانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. امیر علی، ۱۳۶۶ ش، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه: فخر داعی گیلانی، تهران: گنجینه.
۱۲. بوسورت، کلیفورد اموند، ۱۳۷۱ ش، سلسله‌های اسلامی، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
۱۳. تهرانی، شیخ آقابزرگ، ۱۴۰۸ ق، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم: اسماعیلیان.
۱۴. جودکی، حجت‌الله، ۱۳۷۹، «اغالبه»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال اول، ش ۳، پاییز، ص ۵۶۹-۱۰۵.
۱۵. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، بی تا، کشف الظنون، تصحیح و تعلیق: محمد شرف‌الدین یالتقیا و رفعت بیلگه الکلیسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. حتی، فیلیپ خلیل خوری، ۱۳۴۴، تاریخ عرب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: حقیقت.
۱۷. حموی، شهاب‌الدین ابی عبدالله یاقوت، بی تا، معجم البلدان، بیروت: دار الفکر و دار صادر.
۱۸. زارع، محمدرضا، ۱۳۹۲ ش، «شیعیان اسماعیلی و حضور تاریخی آنان در سیسیل»، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، سال ۱۱، ش ۴۱، بهار، ص ۴۱-۶۲.
۱۹. عباس، احسان رشید، ۱۹۹۴ م، معجم العلماء والشعراء الصقلیین، بیروت: دار المغرب الاسلام.
۲۰. عودی، ستار، ۱۳۸۵ ش، تاریخ دولت اغلییان در افریقیه و صقلیه، تهران: امیر کبیر.
۲۱. فتحی، شبنم و دیگران، ۱۳۹۹ ش، «تأثیرپذیری هنر جزیره سیسیل در دوره نورمن‌ها از هنر اسلامی - ایرانی»، دوفصلنامه علمی نگارینه هنر اسلامی، دوره ۷، ش ۱۹، بهار و تابستان، ص ۱-۱۱۷.
۲۲. گلی زواره‌ای، غلامرضا، ۱۳۸۹ ش، «اروپا، مسلمانان و سرزمین اسلام، نفوذ اسلام در ایتالیا (۱)»، درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۵۹۶، دی، ص ۳۹-۴۶.

۲۳. لوبون، گوستاو، ۱۳۵۸ ش، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سیدهاشم حسینی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
۲۴. ماریومورینو، مارتینو، ۱۹۶۹ م، المسلمون فی صقلیه، بیروت: الجامعه اللبنانیه.
۲۵. مرادی، حیات، ۱۳۹۰ ش، «بررسی گفتمان سلطه در نامه زیاده‌الله سوم اغلبی علیه ابوعبدالله شیعی»، فصلنامه تاریخ اسلام، دوره ۱۲، ش ۴، دی، ص ۱۵۱-۱۶۷.
۲۶. مشکاه‌الدینی، عبدالمحسن، ۱۳۵۰ ش، «نمونه‌هایی از تأثیر تمدن اسلامی در ملل دیگر»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۲۶، تابستان، ص ۳۶۵-۴۲۰.
۲۷. مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، ۱۳۶۱ ش، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه: علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۲۸. مونس، حسین، ۱۳۸۲ ش، اطلس تاریخ اسلام، ترجمه: آذرتاش آذرنوش، تهران: سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
۲۹. _____، ۱۳۷۳ ش، سپیده دم اندلس، ترجمه: حمیدرضا شیخی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۰. ناصری طاهری، عبدالله، ۱۳۷۵ ش، مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی - اجتماعی شمال آفریقا از آغاز تا ظهور عثمانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

پایگاه اطلاع‌رسانی

۳۱. خبرگزاری ایرنا، «نگاهی به جزیره سیسیل و یادگارهای مسلمانان در آن (۴)»، ۱۳۷۶/۱۱/۱۹.

<https://www.irna.ir/news/5785543/>.

۳۲. بساتین، اخبار المخطوطات، «یادگارهای مسلمانان در قصر هنری سیسیل»، بی‌تا.

33. <http://manuscripts.ir/ar/>.

34. بی‌تا "The Wonders of Sicily".

35. <https://www.wondersofsicily.com/palermo-la-zisa.htm>.